

حمد مقدّس از ذکر اهل انشا و ملکوت اسما ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۰۰

۱۹

آقای معظم حضرت افنان جناب الف و حاء علیه من کلّ بهاء ابهاء ملاحظه فرمایند

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد مقدّس از ذکر اهل انشا و ملکوت اسما ساحت اقدس حضرت مقصودیرا لایق و سزااست که در بحبوحهٔ بأسا و ضراً قلم اعلی متحرّک و ندا مرتفع و اراده متوجّه و لسان عظمت در ملکوت بیان ناطق جلّت عظمت و علت سلطنته و اشرف آیاته و ظهرت بیناته و احاطت آثاره و لاحت انواره طوبی لمن انقطع عن العالم متمسّکاً بالاسم الاعظم الذی به ناح الامم الا من شاء الله مالک القدم و ویل للذین غفلوا و اعرضوا و اعترضوا الی ان قاموا علی تضییع الامر و قالوا مثل ما قاله الفرعون انا ربکم الاعلی

سبحانک یا من فی قبضتک زمام الامور اسئلک بظهورک و بروزک و قدرتک و اقتدارک بان تعرّف الذین ضلّوا و اضلّوا عبادک و قدر لهم ما یقودهم الی شاطی بحر بیانک لئلاّ یتجاوزوا عن حدودهم و مقاماتهم و شؤونهم ای ربّ انت تعلم ما فی انفسهم لو تشاء طهرهم عن رجس اقوالهم و ما نطقت به السنتهم یا الهی و سیّدی تری غفلتهم و اعراضهم و اعتراضهم و تسمع ما یتکلّمون باهوائهم قد منعتم اقوالهم عن الاقبال الیک و اعمالهم عن التوجّه الی انوار وجهک ای ربّ ایدهم علی الرجوع الیک انک انت التّوّاب الغفّار العزیز الکریم ای ربّ هذه ايام فيها ماج بحر عنایتک و هاج عرف فضلك اسئلک بان تکتب لافنانک من قلبک الاعلی ما ینبغی لجودک و الطافک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت القویّ الغالب المقتدر القدير

روحي نلخدمتکم الفداء و لقيامکم الفداء دو دستخط آنحضرت که اول بتاريخ ۲۹ ربيع الثاني مزین و ثاني ۱۹ جمادی الاولى عالم بعد و فراق را بنور وصال منور نمود چه که نامه بمثابه مرءاتست حاکی از مرسل مخصوص اگر مزین باشد بذکر

1. رقم ۹ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه "بهاء" است.



ORIGINAL

محبوب عالم او مطلع حیاتست از برای بنی آدم این خادم فانی از حق جلّ اجلاله میطلبد که نعمت وصال و لقا را مبذول فرماید و عنایت نماید چه که این نعمتی است اسبغ و اسبق از نعمتهای عالم و مائدههای منزله جمیع کتب الهی مبشر این مقام طوبی للفائزین این مقام در حضور و غیاب هر دو حاصل میشود چه که فضل محیط است و رحمت مسبوق چه بسیار از عباد که تلقاء وجه فائز شدند و قلم اعلی تصدیق نفرمود و امضا نمود و چه مقدار که بر حسب ظاهر فائز نشدند و قلم اعلی گواهی داد بر توجّه و اقبال و حضور و اصغا و لقا و وصال جلّت عنایت و عظمت الطافه و بعضی بهر دو فائز هذا من فضل لا یعادلہ شیء فی العالم قد شهد بذلک مالک القدم و مولی الامم بعد از قرائت دستخط آنحضرت و اطلاع قصد ذروء علیا نموده بعد از درک حضور و اذن تمام آن تلقاء عرش عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله تبارک و تعالی

هو السّامع المجیب

یا ایّها المقبل الی افقی و المذكور فی ساحتی و المسطور فی کتّابی من قلم ارادتی و الطّائر فی هواء حیّ ان استمع ندائی و شهادتی أنّه لا اله الاّ هو لم یزل کان مقدّساً عمّا نطقت به السن الکائنات و منزّهاً عن کلّ ما تفوّت به امکّات أنّه هو الذّی ما منعه حوادث الاّیام و ما حجّبه اشارات الانام قد اتی بجنود الوحی و الالهام و اظهر ما کان مکنوناً فی کتّائز علمه و مخزوناً فی خزائن قدرته اذاّ قام العباد و من فی البلاد علی الاعراض و الاعتراض علی شأن انکروا کتب الله و صحفه و ما نزل من قبل علی انبیائّه و رسله قل یا اهل الارض انصفوا بالله ان تنکروا هذا الامر الاعظم و هذا النّبأ العظیم بایّ برهان یثبت ما عندکم هل تنکرون الذّی به نصبت رایة التّوحید علی قلب العالم و علم الذّکر بین الامم اتّقوا الله و لا تكونوا من الجاهلین

احم علیک بهائی و عنایتی امر بسیار عظیم و عباد بسیار غافل لم یزل از قلم اعلی عظمت این امر جاری و نازل اینست آن چیزیکه لا زال مستور بوده انبیا و مرسلین بتلویح و تصریح ذکر نموده اند و لقائش را از حق سائل و آمل طوبی از برای نفوسیکه این یوم مبارک را ادراک نمودند و از فیوضات آن که عرفان مشرق وحی و مطلع آیاتست نصیب بردند سبحان الله احزاب مختلفه کل بذکر حق مشغول و منتظر ظهور مع ذلک محبوب و غافل الاّ من شاء الله اولیای حق را از قبل اینظلمون تکبیر برسان بگو امروز عرف قیص رحمن متضوع و رایحه منته از افتدۀ مشرکه منتشر بجبل استقامت کبری تمسک نمائید و بذیل فضل تشبّث اگر حکمت مقتضی بذکر و بیان نفوس غافله را بصراط مستقیم دعوت نمائید طوبی از برای نفسیکه بر خدمت امر قیام نماید و ضعفا را از مکر و حیلۀ اشقیاء حفظ کند از حق میطلبیم اولیائش را موفق فرماید بر استقامت بشأنیکه عالم و عالمیانرا معدوم شمرد و خود را فارغ و آزاد مشاهده نمایند اگر حق جلّ جلاله آنچه را ستر نموده اقلّ از خردل کشف نماید کل از ما عندهم منقطع و بما عند الله تمسک نمایند امروز روزیست که آنچه در قلوب مستور ظاهر و آشکار شود ان اذکر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تبارک و تعالی یا بنیّ انّها ان تک مثقال حبه من خردل فتکن فی صحرة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله و این مقام عدل است که حق جلّ جلاله ذکر فرموده بگو ای دوستان جهد نمائید که شاید فائز شوید بامریکه عرف بقا از او استشمام گردد امروز انسان میتواند صاحب دولت باقیه شود و همچنین خسارت دائمة الامر بید الله یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید انتهى

سبحان الله این خادم فانی بمثابه مؤلّه باهت مشاهده میشود چه که آنحضرت و سایر آقایان مطلقند که در ایام شداد ایامیکه ظلمت ظلم جمیع بلاد را احاطه نموده بود در لیلی و ایام در اعلاء کلمه و ارتفاع امر الله مشغول بشأنیکه والله

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَيْنَمَا كَانَ نَوْمٌ وَ يَأْكُلُ نَمِيئًا مِنْ لَيْلٍ لِسَانِ عِظَمٍ نَاطِقٍ وَ أَيْنَعِدُ فِي حُضُورِ تَحْرِيرِ مَشْغُولٍ مَائِدَةً سَمَائِيَّةً بِشَأْنِي نَازِلٍ كَمَا فِي بَعْضِ أَشْهُا فُجْرٍ طَالِعٍ وَ أَمْرٍ بِاحْضَارِ طَعَامٍ نَفْرَمُودَةٍ وَ هَمِجْنِي فِي بَعْضِ أَيَّامِ شَبِّ وَ رُوزِ لِسَانِ عِظَمٍ نَاطِقٍ لِأَجْلِ هِدَايَةِ عِبَادٍ تَأْنِكُهُ فِي أَطْرَافِ فِي الْجُمْلَةِ نُورِي ظَاهِرٍ وَ فِي هَرِّ بِلَدِي مَعْدُودِي بِاسْمِ حَقِّ جَلِّ جَلَالِهِ بِحَيَوَةِ تَازَةٍ بِدِيْعَةٍ فَائِزٍ وَ بَعْدَ نَعِيقٍ مِنْ هَرِّ طَرَفٍ مَرْتَفِعٍ وَ نَهِيْقٍ مِنْ هَرِّ بِلَدٍ ظَاهِرٍ أَيْنَسْتُ شَأْنِ نَاسٍ غَافِلٍ جَاهِلٍ بِهَرِّ رِيْحِي مُتَحَرِّكٍ وَ بِهَرِّ حَبْلِي مُتَمَسِّكٍ فِي هَرِّ حَالٍ مِنْ حَقِّ جَلِّ جَلَالِهِ مِطْلَبِي كَمَا إِنْ كَانَ قَابِلٍ رَجُوعٍ هَسْتَنْدِ فِي حَقِّشَانِ عِنَايَتِي فَرَمَائِدِ وَ مِنْ بَحْرِ فَضْلِ فِي هَذِهِ أَيَّامِ مَحْرُومٍ نَمَائِدِ أَنَّهُ عَلَيَّ كَلِّشِي قَدِيرٍ جَهْلٍ أُنْسَانِي بِمَقَامِي مِيرْسَانِدِ كَمَا بِهَيْچُوجِهٍ مَحَلِّ عِنَايَةِ وَاقِعٍ نَمِيشُودِ

سبحانک یا مقصود الامکان استلک بجز علیک و سماء امرک بان تحفظنی من عصیان ینقطع به رجائی و یجعلنی محروماً عن نجات آیاتک و ینتاک ای رب استلک بان ترحم هذا العبد المسکین الذی کانت یده الیمنی مرتفعة الی سماء رحمتک و الاخری متشبثة بذیل جودک و غفرانک و عرف عبادک الذین غفلوا عن ذکرک و ثنائک و عرفان مشرق وحیک و مطلع آیاتک و قاموا علی اضلال احبائک الذین قصدوا المقصد الاقصی و الغایة القصوی ای رب استلک بنفسک و الذین یطوفون عرشک بان تنصرهم بجنود الغیب و الشّهادة انک انت المهیمن المتعالی المقدر المقتدر العلیم الحکیم

ذکر جناب افشار علیه بهاء الله و منتسبین ایشان علیهم بهاء الله فرموده بودند الحمد لله هر یک بعنایت الهی فائز و الواح بدیعه منیعه مخصوص ایشان نازل و ارسال شد انشاء الله از بحور معانی مستوره پیاشامند و بنفحات آیات فائز گردند مراسله ای باین بنده ارسال داشته اند در ساحت امنع اقدس عرض شد و آنچه از سماء عنایت مخصوص ایشان نازل اینعبد در جواب نامه ثبت نمود و ارسال داشت از حق جلّ جلاله میطلبم که ایشان و متعلقان ایشانرا بر امر ثابت و بر خدمت قائم فرماید آنّه علی کلّشی قدیر حسب الامر الواح مرسله و مراسلات اینعبد که بآیات بدیعه منیعه مزین است ملاحظه فرمایند و برسانند

اینکه ذکر جناب حاجی علی و جناب آقا محمد رضا و جناب حاجی محمد علیهم بهاء الله و عنایت فرموده بودند لدی الوجه مذکور و هر یک باشرافات انوار آفتاب عنایت فائز این خادم فانی از حق تعالی شأنه سائل و آمل که اولیای خود را مطالع شمس استقامت فرماید و بما یرتفع به الامر مؤید نماید

و اینکه ذکر جناب آقا ملا محمد علیه بهاء الله و عنایاته را مرقوم داشتند در ساحت امنع اقدس اعلی عرض شد و یک لوح مناجات مخصوص ایشان از سماء عنایت محبوب امکان نازل و ارسال گشت این خادم فانی تکبیر و ثنا خدمت ایشان میرساند و عرض مینماید امروز روزیست که عظمتش بمثابه آفتاب واضح و ظاهر است جمعی در قرون و اعصار ناس را در ظنون و اوهام پرورده اند و بشأنی سکر غفلت ایشانرا اخذ نمود که بعد از ظهور و اعلاء کلمه و اشراقات آیات و ظهورات ینبات بشعور نیامدند و از مطلع ایقان بغایت بعید و محروم مشاهده شدند حال باید جناب مذکور بعنایت حق بر خدمت امر قیام نمایند و ناس غافل را از هیماء نادانی بجز آگاهی کشانند و از شمال ضلالت بزمین هدایت راه ثنایند در هر حال باید همت نمود که مباد مجدّد اصنام اوهام بمیان آید یسئل الخادم ربّه بان یؤید جنابه علی ذکره و ثنائه و خدمه امره و یکتب له من قلبه الاعلی خیر الآخرة و الاولی آنّه هو المقتدر القدیر

و اینکه ذکر جناب آقا محمدعلی از اهل به فرموده بودند و ذکر اراده ایشان در ادای حقوق چند شهر قبل باینبعد هم در اینفقره نوشته بودند در ساحت اقدس عرض شد جوابی از مصدر امر ظاهر نه تا در این ایام اینکلمه علیا از مالک اسما اشراق نمود قوله جلّ جلاله یا عبد حاضر بنویس بافنان علیه بهائی اگر شخص مذکور فی الحقیقه اراده ادای حقوق الهی نموده بنفوس مذکوره برسانند و همچنین اذن خواسته بودند بساحت اقدس توجه نمایند شمس اذن مشرق از حق جلّ جلاله میطلبم دوستان را از شرّ معرضین و منکرین و خادعین حفظ فرماید و صورت تقسیم هم ارسال شد اگر رسید آنحضرت برسانند اینبعد جواب نامه ایشانرا ارسال داشت انشاء الله برسد

حضرت محبوب فؤاد جناب حاجی حیحی علیه بهاء الله الابهی چند لوح بجهت اهل به و قریه قرب آن خواسته بودند و مکرر نوشته اند در این ایام الواح بدیعۀ منیعه از سماء مشیت رحمانی نازل و ارسال شد بجناب آقا محمدعلی برسد که برسانند و یا قسم دیگر که آنحضرت مصلحت دانند

در باب عشق آباد و توجه جناب استاد علی اکبر علیه بهاء الله بآشطر مرقوم فرمودند خود جناب استاد تفصیل امور را نوشته ارسال داشته اند و جوابی در اینفقره از مصدر مشیت نازل و ارسال شد عمل آنحضرت را امضا فرمودند و بطراز قبول فائز محلیکه مرجع مدن و قرای متعلقۀ بدولت روس واقع شود اخذ اراضی و تعمیر در آن بسیار خوبست اما ذکر با والی در این ایام جایز نه حسب الامر چندی صمت اولی جناب استاد بکار خود مشغول باشند اگر اسبابی فراهم آمد و ذکری بمقتضی بمیان آید آنوقت کلمهئی گفته شود بآسی نیست حق جلّ جلاله آگاه و بیدار آنچه اراده فرماید اسبابش اقرب من آن ظاهر و هویدا شود باید جمیع دوستان بحکمت ناظر باشند این حکم در الواح الهی مکرر نازل حتی از اقرار و اعتراف منع نموده اند ان الامر بیده یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید لیس لاحد ان یقول لم او بم صد هزار طوبی از برای نفسیکه بافق امر الهی وحده ناظر باشد و بآنچه مأمور است عمل نماید اوست اهل توحید و اصحاب تجرید و صاحب نفس مطمئنۀ علیه بهاء الله و بهاء من فی ملکوت الامر و الخلق

اینکه در بارۀ محبوب روحانی جناب آقا میرزا اسدالله علیه بهاء الله الابهی و توجه ایشان بجهت خلاصی اولیا علیهم بهاء الله و عنایت مرقوم داشتند بعد از عرض اینفقره تلقاء وجه اقدس ملکوت بیان باینکلمات عالیات ناطق قوله جلّ و عزّ طوبی از برای الف و حاء علیه بهائی چه که در فکر خلاصی اولیای حق بوده و هستند یبغی له ان یکون كذلك انا اخترناه واصطفیناه لخدمه امری المبرم المتین ولكن چندی سکوت اولی انتهى

اینبعد عرض مینماید وعده و دادن زخارف بجهت خلاصی مسجونین در این ایام جایز نه در دو وقت دو کلمه از لسان عظمت این خادم فانی استماع نمود یومی از ایام فرمودند یا عبد حاضر حزب الله الیوم باید باین آیه مبارکه که از قبل بر خاتم انبیا روح ما سواه فداه نازل شده ذاکر باشند قوله تعالى رب افرغ علينا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین از اینکلمه مبارکه مستفاد میشود که صبر تلقاء عرش مقبول و محبوبست و همچنین یومی از ایام فرمودند ان الظالم یتنصر علینا بالمدافع و البنادق و الجنود و نحن نستنصر علیه بالقویّ الغالب المقتدر القدير و بعد این دو فقره مکرر در الواح نازل انه یعلم ما اراده عما نطق به لسان عظمته

و اینکه از نعاق ناعقین مرقوم داشتند هذا ما اخبرنا به القلم الاعلی اذ جال فی مضمار البیان فی الزوراء سبحان الله نفوسیکه از امر بالمره غافل و بی اطلاع گفته اند آنچه را که هیچ مشرکی نگفته اعاذنا الله و حضرتکم من شرّ هؤلاء مدتها در

جمع‌آوری آیات و الواح و کتب بدیعۀ منیعہ مشغول بوده‌اند و قصدشان معلوم و واضحست لذا جایز نیست از بعد آثار بدیعہ بآن نفوس داده شود این‌بعد در این ایام چند ورق در بعضی از مطالب نوشته و چون حامل و حاوی آیات الهی و زیاراتیست که در این ایام مخصوص شهدا نازل شده ارسال میشود آنحضرت ملاحظه فرمایند و بعد نزد جناب میرزا علی‌ه بهاء الله ارسال نمایند اگر در حضور بر مشرکین القا شود بآسی نبوده و نیست و لکن دادن نسخه ابداً جایز نه چه که در آیات الهی بالحاد مشغولند ما صغر حدّهم و شأنهم و کبرت اقوالهم آیا آفتاب را نمیبینند و امواج بحر را مشاهده نمیکند اگر این ندا و این صیحه و این نبأ اعظم را انکار نمایند بچه حلی متمسک و بچه امری مستدل اورا قیقه نوشته و خدمت آنحضرت فرستاده از آن اوراق مقامش معلوم و نیتش مشهود و این خادم فانی چون آن اوراق را دیده لازم دانست که لوجه الله ذکر نماید آنچه را که مطالع انصاف و مظاهر عدل مشاهده نمایند و اغنام الهی را از ذیاب ارض حفظ فرمایند

و دیگر استدعا و عرض این خادم فانی آنکه خدمت آقایان عظام افنان سدره علیهم من کلّ بهاء ابهه تکبیر و سلام ابلاغ فرمایند و این مرحمتی است از آنحضرت نسبت باینفانی البهاء الظاهر اللّاح المشرق من افق عنایة ربّنا و ربکم علی حضرتکم و علی من یحبکم لوجه الله ربّ العالمین

خادم

فی ۱۵ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۱

عرض میشود الواح بهرام‌آباد و حول آن نظر بخواهش جناب محبوی حاجی میرزا ح‌ی علیه بهاء الله الابهی و حبیب روحانی جناب حاجی میرزا ح‌سین علیه بهاء الله و عنایتہ از سماء فضل نازل و ارسال شد مع مکتوب اینفانی که در جواب جناب آقا محمدعلی علیه بهاء الله نوشته آنحضرت ملاحظه فرمایند و بعد بفرستند نزد سرکار خان حسن علیه بهاء الله و بنویسند بایشان که چند شهر قبل جناب حاجی میرزا ح‌ی و جناب حاجی میرزا ح‌سین مخصوص نفوس مذکوره الواح بدیعۀ منیعہ از سماء عنایت الهی طلب نمودند مدّتها از مصدر امر جوابی ظاهر نه تا آنکه مکرّر طلب نمودند الواح نازل و ارسال شد حال سرکار خان ملاحظه فرمایند اگر آن نفوس کأس را تبدیل ننموده‌اند عطا نمایند والا صاحبان آن ظاهر خواهد شد العلم عند الله ربّنا و ربکم و ربّ العالمین

عرض دیگر دستخطیکه آنحضرت باین‌بعد مرقوم داشتند حینیکه در ساحت امنع اقدس عرض شد یک لوح مناجات مخصوص جناب آقا ملا محمد علیه بهاء الله الابهی از سماء مشیت رحمانی نازل و دو یوم بعد هم که این‌بعد تلقاء وجه بتحریر آیات مشغول یک لوح بدیع منیع مجدّد از سماء فضل مخصوص ایشان نازل قد ادرک الفضل مرتّین بجوده و کرمه و رحمتہ آنحضرت هر دو را برسانند انّ ربّنا الرحمن لهو الباذل المشفق الکریم